



فکر و آراء نهج البلاغه

فهرست تفصیلی

ترجمه و تفسیر نهج البلاغه

محمدتقی جعفری

فهرست موضوعات

۵	دیباچه ناشر.....
۹	مقدمه.....
۱۷	نمایه اختصاری مدخل‌های ترجمه و تفسیر نهج البلاغه.....
۲۲	۱- کمال، اخلاق؛ فضیلت و رذیلت.....
۶۲	۲- اسلام و اسلامیت (تاریخ، تفکر و تمدن اسلامی + تشیع).....
۹۴	۳- اقتصاد.....
۹۸	۴- سیاست.....
۱۰۸	۵- الاهیات؛ خدا، حکمت، عرفان و دین.....
۱۳۶	۶- اندیشه، آگاهی، حیات، عشق و مفاهیم فکری عام.....
۱۴۶	۷- انسان.....
۱۶۴	۸- جهان و هستی.....
۱۷۲	۹- تاریخ.....
۱۷۸	۱۰- اجتماع.....
۱۸۸	۱۱- روان، علم‌النفس و مباحث روان‌شناختی.....
۲۰۶	۱۲- علم، دانش، تعلیم و تربیت و.....
۲۱۴	۱۳- فلسفه.....
۲۲۴	۱۴- کلام.....
۲۲۸	۱۵- منطق.....
۲۳۴	۱۶- ماده، فیزیک، فضا، عدد و ریاضی.....
۲۳۸	۱۷- مباحث فقهی، اصولی و حقوقی (حق و باطل).....
۲۴۴	۱۸- هنر، زیبایی و ادبیات.....

صفحة ٤ سفيد



دیباچه ناشر

به تصریح کسانی که به آستانِ وجودی انسانی به نام علی بن ابیطالب علیه السلام راه یافته‌اند، این شخصیت دارای مقام حکمت است و در میان سلسله حکیمان، از جایگاهی خاص و بی‌بدیل برخوردار است. این چهره تابناک، یکی از معدود برجستگان تاریخ است که در مقام یکی از دانایان راز انسان و زندگی، به ابعاد فکری - معنوی تاریخ اندیشه، الهام‌هایی ژرف و زوال‌ناپذیر بخشیده است. عمق فکری این پیشتاز، قرن‌ها و عصرها، به گونه‌ای است که در هر زمان، با شورانگیزترین نجواها، جویندگان حقیقت را گرد مشعل حقیقت‌خواهی جمع آورده، با رساترین سخنان و گویاترین اندیشه‌ها، در صدر توانمندترین هستی‌شناسان ایستاده است: کامل مردی زندگی‌دان و انسان‌گو که گفتارش ناظر بر بنیادهاست و با این که وجودی خداوند نشان دارد، به پاس دیدگاه‌هایی مبتنی بر حقیقت، پیوسته برای اندیشمندان بزرگ و اندیشه‌های اصالت‌اندیش، از موضوعیت برخوردار بوده است. کتاب او، از معدود کتاب‌هایی است که مشمول زمان نمی‌شود. چه، در کلام او نشانه‌های واضحی وجود دارد که نشان می‌دهد نهج‌البلاغه بی‌تردید یکی از اصیل‌ترین موارث خرد انسانی از ابتدا تا انتهاست که در جزء و کلّ خود، بخشی از بلیغ‌ترین و ظریف‌ترین اشارت‌های ضروری را در اختیار ذهن‌های کاوشگر قرار می‌دهد.

می‌توان گفت: بسیاری از آن‌چه در نهج‌البلاغه آمده است، از سنخ اندیشه و بسیاری دیگر از آن، از سنخ دریافت است و چه جای عجب و اعجاب که در هر دو قلمرو، به گونه‌ای بی‌بدیل راهگشا و هویت‌بخش است؛ اندیشه‌ها و دریافت‌هایی که نمی‌توان هویتی جز حقیقت بر آن‌ها سراغ داد. به دلیل همین ویژگی‌ها بوده که تعدادی از ذهن‌های عظیم، پیوسته به دنبال رازگشایی از این مجموع بوده‌اند و کوشیده‌اند به‌سان شناگرانی

خستگی‌ناپذیر، از اعماق این اقیانوس عظیم، گوهرهایی از جنس حقیقت و واقعیت استخراج کنند که در هر عصری به روح زمان شتافته و چونان بریده‌ای از عصر، به دایره فکر و فرهنگ متصل شده است.

... و چنین است و چنین که نشان حضور و تبلور علی بن ابیطالب علیه السلام در بی‌کرانه‌های اندیشه‌ها پیداست و بسیار قلم‌ها و سطرهایی که از این رهگذر، چشم به جاودانگی دوخته‌اند و خلعت جاودانگی یافته‌اند.

در شمار وادی پیمایان مسیر وجودی علی بن ابیطالب علیه السلام و تشعشع‌های این بزرگ عرصه انسان و زندگی، نام محمدتقی جعفری یکی از پویاترین سلوک‌ها و پویش‌ها را در خود دارد. این نام، یکی از کاوشگران عرصه اندیشه است که با تکاپوهایی فکر برانگیز، کوشیده است راهی به مخزن اندیشه‌های کلی بیاید. هم از این‌روست که جولان‌های او در عرصه الاهیات و متعلقات انسان و زندگی را به لحاظ کمی و کیفی، فراوان و گسترده می‌بایم. محمدتقی جعفری با وجودی کاوشگر و نگاهی لبریز از پرسش، از دیرباز گام بر واحه‌های طاقت‌سوز از نوع کلان گذاشت که امروزه بر کم‌تر کسی پوشیده است. در باب آغاز و پایان تفکر و تعمق او، به تفصیل باید سخن گفت و به تبع باید جغرافیای ورود و خروج و نحوه حضور و استقرار وی را در قرارگاه و دامان اندیشه‌ها در فرصتی مُشبع کاوید. چیزی که ملاحظه سیر کلی و مشاهده عناوین مجموعی پویش‌های این پویشگر عرصه اندیشه و دریافت، حاکی از آن است، ورود مغزی است دارای جولان‌های ویژه به عرصه‌هایی که کم‌تر آزموده شده بود و دست کم در محیط فکری - جغرافیایی منتسب به او، کم‌تر کسی به خود اجازه داده بود ورود خویش را به آن چارچوب‌ها قطعی کند. در این میان، یکی از نشانه‌ها و نمادهای اثباتگر موضوع، صرف‌نظر از موضوع‌های برنهاده شده این شخصیت، چارچوب نگاه او و زبان ویژه‌ای است که منحصر به اوست و متأسفانه به درستی کاوش نشده است.

محمدتقی جعفری در گذر از گذرگاه اندیشه‌ها، بعد از پشت سر نهادن مراحل کوچکی و بزرگ، در دوران پختگی فکر و سختگی ذهن، کوشید کمند عقل را در برابر آستان اندیشه‌های علی بن ابیطالب علیه السلام به تأمل و توقف وادارد و چنین بود که پس از تفسیر و نقد و

تحلیل خویش بر مثنوی مولوی، با نحوه‌ای که خاص خود او بود، به بدایتی راه برد که خود نهایت بود: تفسیر نهج البلاغه.

اما پس از این‌ها همه، اثری که پیش روی دارید، در اصل پژوهشی است برای جمع‌بندی و در واقع طبقه‌بندی اندیشه‌های گونه‌گون و پُر کران و فراوانِ مندرج در ترجمه و تفسیر نهج البلاغه محمدتقی جعفری.

در این تحقیق که اینک در اختیار خوانندگان گرامی قرار دارد، با بهره‌گیری از اسلوبی آسان و در عین حال روشن، کوشش به خرج داده شده است ابعاد پراکنده و دور از هم اندیشه‌هایی که در جای جای یک فضای وسیع پخش شده‌اند، تن به وضوح و اتحاد موضوعی بدهد تا اجزاء هر یک از اندیشه‌ها، در رویشی آشکار، به حضور و بروز برسند تا دانسته شود هر اندیشه‌ای از چه گوشه‌های دیگری برخوردار است!

اگر بخواهیم آن‌چه را که در این اثر اتفاق افتاده است، با تشبیهی کوتاه به بیان آوریم، می‌توان گفت: این کار، پژوهشی است که با فرو بردن نگاه تجمیع در اندرون دریای ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محتویات این دریا را در یک طبقه‌بندی علمی برای جویندگان گوناگون به ارمغان آورده است.

سخنی دیگر بر این سخن نمی‌افزاییم و ختام این مقال به این اشارت گذراست که: اینک، حاصل تعمق و تأمل‌های دامن‌دار یک اندیشمند در طول دو دهه اندیشه، در اختیار شماست؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید!



مقدمه^۱

ما با انسانی سروکار داریم که هدف اعلائی برای زندگی دارد، زمامداری که عادل مطلق است، دارای معرفتی در حدّ اعلیّ دربارهٔ انسان و جهان، وابستگی به مبادی عالی هستی، خود را جزئی از انسان دیدن، وابستگی مستقیم به خدا، تقوی و فضیلت در حدّ اعلیّ، پاکی گفتار و کردار و اندیشه و نیت پاک ... و دهها امتیازات از این قبیل که در علی بن ابیطالب علیه السلام به اتفاق تمام تواریخ ثبت شده است، قابل توضیح و تفسیر با مفاهیم و ارزش‌های معمولی نمی‌باشد، زیرا برای آن جامعه و یا افرادی که زندگی چیزی جز توّرم «خود طبیعی»^۲ نیست، عناصر شخصیت و امتیازات علی علیه السلام و کتابش، خیالاتی بیش نخواهد بود.

ای فرزند ابوطالب!

سلام خدا بر تو باد ای انسان بزرگ که گفتار و زندگی تو فروغ امید بر دل‌های آدمیان تابانده و یأس و بدبینی را از مغز مردم هشیار و پریشان برطرف می‌نمایی. ای بزرگ بزرگان! سخنان تو، خود گویای آن است که صفا و لطافتِ روحی تو در حدّی است که توانسته مانند یک جویبار و وسیلهٔ انتقال، آب حیاتِ معارف الهی بر کشتزار مغز و قلب انسان‌ها باشد. ای بزرگ‌ترین انسان‌شناس بعد از پیامبر:

گر نبودی خلق محجوب و کثیف ور نبودی خلق‌ها تنگ و ضعیف

۱- متن این مقدمه، از مجلّات «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه»، «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی» و گفتگوهای استاد جعفری انتخاب شده است.

۲- خود طبیعی = حقیقتی خودگردان که هیچ اصل و قانونی جز ادارهٔ خویشتن نمی‌شناسد. این خود طبیعی، نه تنها صلاح و فساد را سراغ ندارد، بلکه اصلاً قضیه‌ای را نمی‌بیند و نمی‌سازد تا میان خوب و بد، زشت و زیبا و صحیح و باطل را تفکیک نماید.

در مدیحت دادِ معنی دادمی	غیر این منطق لیبی بگشادمی
مدح تو حیف است با زندانیان	گویم اندر مجمع روحانیان
مدح تعریف است و تخریق حجاب	فارغ است از مدح و تعریف آفتاب
مادح خورشید مذاح خود است	که دو چشم روشن و نامرمد است ^۱

ای فرزند ابیطالب!

چرا فلاسفه و حکما و مکتب‌های انسانی به تو عشق نورزند؟ مگر تو نیستی که یک عمر به انسان‌ها عشق ورزیدی و سوختی؟ کدام انسان‌ها؟! کسانی که نه تنها به تو عشق نورزیدند، بلکه کوشش تو را در تحریک آنان به سوی کمال، ناگوار تلقی می‌کردند و از تو روی برمی‌گرداندند و به راه خود می‌رفتند. تو با دلی پرهیجان و دیدگانی پر از اشکِ سوزان، به دنبال آنان نگرسته و می‌گفتی: **فَإِنَّ تَذَهُبُونَ؟** آخر، به کجا می‌روید؟ چرا از حق و عدالت گریزان هستید؟ آخر، در انسان شدن چه دیدید که با آن به مبارزه برخاستید؟

ای فرزند ابیطالب!

چرا معشوق‌هشیاران در میان مَستان نباشی؟ مگر تو نبودی که عمری در نجات دادن انسان‌ها از درد «از خودبیگانگی»^۲ به تکاپو افتادی و رنج‌ها کشیدی و دست از لذایذ دنیا برداشتی و از سروری و زمامداری جهانی بزرگ چشم پوشیدی؟ مگر تو نبودی که در راه آشنا کردن انسان‌ها با «من حقیقی»^۳ شان و تعهد فطری که

۱- مثنوی معنوی، دفتر پنجم.

۲- از خودبیگانگی (نوع منفی) = فقدان خود یا بعضی از عناصر خود که موجب شکست آدمی در زندگی می‌شود، نظیر: جهل و ناآشنایی با خود، خودباختگی (خود را در دیگران دیدن)، انکار خود، زیستن با «خود مجازی» به جای «خود حقیقی» و ...

به عبارت دیگر: شستشو شدن «خود» یا «من حقیقی» انسان، و زندگی کردن با «خود» یا «من» ساخته‌شده به وسیلهٔ اربابان زر و زور.

۳- من = همان مدیریت درونی است که حیات و شئون حیاتی انسان را در ارتباطات چهارگانه (ارتباط با خویش، با خدا، با جهان هستی، با هم‌نوعان خود) تنظیم نموده و او را در وصول به اهدافی که در قلمرو ماده و معنی انتخاب می‌نماید، اداره می‌کند.

«من» و «خود»، به اعتبار ابعاد و کیفیت‌های مختلف، با توصیفات گوناگونی متنوع می‌شود، مانند: من حقیقی، من اجتماعی، من برتر، من طبیعی، من ایده‌آل، من مجازی.

دربارهٔ تکامل خویش داشتند، کوشش‌ها کردی [تا] خود از دست رفتۀ آنان را به خودشان بازگردانی؟ تاریخ کسی جز تو سراغ ندارد که برای آشنا کردن انسان‌ها با «من حقیقی»شان، این همه جلال و جمال و ارزش در «من حقیقی» را نشان بدهد.

او (علیؑ) به عنوان یک واسطهٔ امین و پاک و منزّه از هر گونه آلودگی‌ها، موفق به شناخت انسان و دنیا و ارزش‌های آن دو بوده که چنین گفتار سازنده و جاودانی برای بشریت ابراز فرموده است.^۱

هیچ جای تردید نیست که ما نمی‌توانیم شخصیت علی بن ابیطالبؑ را مانند شخصیت‌های یک بُعدی تاریخ نشان بدهیم و کتابش نهج‌البلاغه را هم به عنوان کتابی که یک شخصیت یک بُعدی از خود به یادگار گذاشته است، تلقی نماییم.

نهج‌البلاغه که سخنان امیرالمؤمنینؑ را بازگو می‌کند، زاییدهٔ قرآن مجید است.

قرآن و نهج‌البلاغه، دو کتاب اساسی مذهبی است و سرتاسر نهج‌البلاغه - این فرزند عزیز قرآن - مانند خود قرآن، روشنگر عقاید و اصول و احکام و تکالیف اسلامی است.

انطباق همهٔ اعمال فردی و اجتماعی امیرالمؤمنینؑ به کتاب الله، چنان بدیهی است که نیازی به تفصیل ندارد و این‌که مرجع کلّ آن حضرت در مدیریت زندگی اجتماعی مسلمین از نظر حقوقی، اخلاقی، سیاسی، معرفتی و دیگر شئون اجتماعی، قرآن مجید بوده است، حتی یک فرد بی‌غرض و ناآگاه هم نمی‌تواند تردید کند!

همهٔ ما با این تعبیر که: علیؑ قرآن ناطق است، آشنایی داریم. اگر یک انسان مطلع از قرآن و محتویات این کتاب الهی، سخنان امیرالمؤمنینؑ را در نهج‌البلاغه و دیگر منابع معتبر اسلامی مورد دقت قرار بدهد، قطعاً خواهد دید که مبنا و اصول آن سخنان، قرآن مجید است. علاوه بر اقتباس جمله‌ای از آیه یا همهٔ آیه که در سخنان آن حضرت بسیار

۱- این جملات را که در این‌جا دربارهٔ امیرالمؤمنینؑ عرض کردم، نه تنها ناشی از شناخت و آشنایی اینجانب با آن آشنای رازهای هستی است، بلکه هر چه دربارهٔ او گفته‌ام و بعد از این هم اگر خدا توفیق سخن گفتن دربارهٔ آن شاهد رسالت و دلیل خدا را برای من عنایت فرماید، جز این نیست که امواجی است نارسا که از هیجان و جوشش دل بی‌قرار سر می‌کشد و از سر قلم روی کاغذ فرود می‌آید و از دهان واقعاً ناچیز برمی‌آید و شنیده می‌شود، زیرا واقعیت شخصیت این بزرگ مرد تاریخ، بسیار بالاتر از سطح فکری و دریافت‌های درونی ماست.

فراوان است، بقیه آن‌ها یا به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، مضمون آیات قرآنی است. اثبات عظمت سخن آن بزرگ بزرگان به وسیله پیروی از طرق متداول در افکار بشری ممکن نیست.

سخنان نهج البلاغه جلوه والایی از ابعاد گوناگون یک انسان پوینده در مسیر کمال برین است. طبیعی است که این سخنان، توهمات بی پایه و جزئیات زودگذر و ذوق پردازی‌های شاعرانه و افسانه‌گویی‌های تخدیرکننده نیست. محتویات این سخنان، به همان اندازه واقعیت دارد که انسان در طبیعت وابسته به آفریننده طبیعت، می‌تواند راه هدف اعلی زندگی خویش را در پیش گیرد.

با نگاهی دقیق به سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، مطالبی که مطرح می‌شود، یا خود به شکل اصول و قوانین بنیادین است که درباره جهان و انسان و ارتباط آن دو با یکدیگر و رابطه انسان‌ها با همدیگر و خدا با جهان و انسان مطرح شده است و یا مسائلی مطرح می‌شود که مستند به اصول و قوانین بنیادین است. این استناد گاهی صریح و پیوسته به مسئله‌ای است که مطرح شده و گاه بیان مسئله به صورتی است که با شفافیت و صیقلی بودن، خود آن اصول را نشان می‌دهد.

در کتاب نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام درباره موضوعات گوناگون سخن می‌گوید: توحید و به صورت کلی مسائل الاهیات، زیربنای حقوق و اقتصاد اسلامی، جنگ و میدان‌های خونین آن، زهد و تقوی و اعراض از دنیا و نپرستیدن آن؛ تهدید می‌کند، بشارت می‌دهد، مسائل سیاسی و اجتماعی مربوط به سیاست را مطرح می‌کند، داستان می‌سراید، اخلاقیات می‌گوید، روز رستاخیز را مجسم می‌کند، کیفر و پاداش در سرای جاودانی را گوشزد می‌نماید، پیشگویی‌ها دارد، موجودیت انسان را در این جهان [و] زندگی تعریف می‌کند، قیافه‌های گوناگون انسان را در جهان هستی نمایان می‌سازد و با این حال، همه این گفتارهای گوناگون، با یک سبک و از یک دل برآمده است که: دل تنها یک رو دارد و آن هم رو به سوی بارگاه الهی است. به تعبیر جلال‌الدین محمد مولوی: همه این مسائل گوناگون، عطر عشق منتشر می‌کنند.

... شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام چنان رنگ الهی به خود گرفته بود که برای او میدان جنگ با محراب عبادت، و اندیشه در الاهیات تفاوتی نداشت... در هر یک از موضوعاتی که سخن می‌گوید، گویی تمام زندگی علی علیه السلام در همان موضوع سپری شده است. در مجلد یازدهم، هنگام تفسیر خطبه هفتم، ناگهان حالتی در درونم احساس کردم که از بیان آن با الفاظی که وسیله تفهیم مقاصد ما انسان‌ها با یکدیگر است، ناتوان ماندم. کاغذ و قلم را بر زمین گذاشتم و لحظاتی در صدد پیدا کردن چهره بزرگ مرد مظلومی برآمدم که پس از خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با عظمت‌ترین شخصیت نوع بشری است. در حیرتی توصیف ناشدنی از فرو رفتن در دریای کرامت و حیثیت انسانی - ملکوتی آن فخر اولاد آدم علیه السلام فرو رفتم. در این حال، بدون اراده و تصمیم رسمی، جملات زیر بر زبانم جاری شد: آن مسافر حقیقی دیار ابدیت، در زندگی پر تلاش و مشقتش، نشستن و خوابیدن برای آسایش نداشته، دمی از حرکت بازمانده و همواره عشق بر لقاء الله، راحتی این دنیا را از او سلب نموده بود...

با این حال، سحرگاه آن شب که قفس کالبد آن همیشه بیدار، آخرین ساعات همدمی با روح ملکوتی اعلیٰ را می‌گذراند، برای دقایقی چند بر زمین اش نشاند و با صدایی ضعیف التماس کرد: یا علی! چند دقیقه‌ای در این سحرگاه اسرارآمیز با من بنشین. من از آغاز دیشب حرکات بی‌سابقه‌ای در روح تو می‌بینم. تو همواره به یاد خدا بودی. این شبی که لحظه به لحظه به پایانش می‌رسیم، این جمله ملکوتی: «**لا حول و لا قوة الا بالله**» را زیاد تکرار می‌کردی. نگاه‌های بسیار پر معنی به طرف آسمان داشتی. کدامین منزلگه را قصد کرده‌ای؟... حالا باید به کجا برویم؟ من آماده‌ام، من اطاعتت می‌کنم. مرا خوب می‌شناسی، در همه جا با تو بوده‌ام و می‌دانم که از من نرنجیده‌ای. در سر کوی یتیمان و بینوایان با هم بوده‌ایم ...

در امتداد مطالعات خود - در دوران تحصیل در حوزه و پس از آن در مسیر کارهای علمی - پی بردم که نهج البلاغه به روابط چهارگانه انسان پرداخته است و با حالات و اشرافی

که امیرالمؤمنین علیه السلام داشته‌اند، از موضوعات چهارگانه ارتباط انسان با خویشتن، ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با هم‌نوع و ارتباط انسان با هستی سخن گفته است. در آن هنگام که تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی را شروع کردم، عده‌ای از دوستان می‌گفتند که: شما چرا به جای تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، تفسیر نهج‌البلاغه را شروع نکرده‌اید؟! گفتیم: این نوع تحلیل و تفسیر که ما در رابطه با مثنوی می‌خواهیم شروع کنیم، شاید بی‌سابقه باشد و گفتیم: وقتی تفسیر مثنوی تمام شود، نهج‌البلاغه را شروع خواهیم کرد. در حقیقت، طرح مثنوی که دارای معارف بسیار فراوانی از اسلام است، می‌تواند برای ما راهگشا و مقدمه‌ای جهت شناخت نهج‌البلاغه باشد.

من همواره به این موضوع توجه می‌کردم، ولی بر اثر اشتغالات علمی، کار روی نهج‌البلاغه به تأخیر می‌افتاد. تا این‌که یکی از دوستان ما، در حالت رؤیا، علامه امینی - صاحب الغدیر - را می‌بیند! علامه امینی در جایی نشسته بودند و از آن فرد سؤال می‌کنند: آیا جعفری را می‌شناسید؟^۱ آن فرد می‌گوید: بله. علامه امینی می‌گوید: نامه‌ای می‌دهم به ایشان بدهید. وی از علامه امینی سؤال می‌کند: آیا اجازه دارم نامه را باز کنم و بخوانم؟ علامه امینی می‌گوید: اشکالی ندارد!

دوست ما می‌گوید: نامه را باز کردم و همین‌که مشغول خواندن آن شدم، دیدم نامه بسیار ملکوتی است. الفاظ شبیه الفاظ متداول ما بود، ولی نورانی‌تری خاص در آن بود. دوست ما اظهار می‌دارد که با خواندن نامه در حال رؤیا منقلب شدم. سپس علامه امینی می‌گوید: به جعفری سلام برسانید و بگویید: ما که به این دنیا آمده‌ایم، دیگر نمی‌توانیم کاری بکنیم، ولی آقای جعفری که در آن دنیا هستند، کار نهج‌البلاغه را به تأخیر نیندازند. ما این مطلب را جدی گرفتیم و مشغول شدیم.

البته حدود یکسال بود که اینجانب در فکر ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه بودم، [اما] پس از آن‌که این شخص عزیز جریان رؤیای خود را بیان کرد، تصمیم نهایی برای کار [بر روی] ترجمه و تفسیر [نهج‌البلاغه] را گرفتیم ...

۱- لازم به ذکر است که مرحوم علامه امینی در نجف اشرف با استاد جعفری آشنایی داشته است.

کوشش، تلاش و نیایش ما به خدا خیلی بیش تر است که: خدایا! ما اشتباه نکنیم، که این ولیّ اعظمِ توست. به ما محبت فرما که به این کار همّت پیدا کنیم، تا بتوانیم از خودمان شرمنده نشویم و بتوانیم به توضیح و تفسیر جملات مولا علیؑ دست بزنیم. کلمات نهج البلاغه باید خودش تنزل بکند تا بیانگر روحیه امیرالمؤمنینؑ باشد، چه برسد که ما بیاییم آن را تفسیر کنیم. چه کنم؟ همین مقدار از خدا خواستم که انشاءالله تعالی بتوانیم انجام دهیم و امیدواریم که در این راه خداوند توفیق بدهد و روح امیرالمؤمنینؑ یار باشد که حداقل مخالف مقاصد آن حضرت گام برنداشته و شرح نداده و تفسیر نکنیم.

محمدتقی جعفری

صفحة ١٦ سفيد

نمایه اختصاری مدخل‌های ترجمه و تفسیر نهج البلاغه

- ۱- کمال، اخلاق
- ↪ اخلاق و فلسفه اخلاق، فضیلت‌ها، رذیلت‌ها، واجبات و محرّمات، تکامل اخلاق، روح و تن، اخلاق انسانی، اخلاق اسلامی، حالات اخلاقی، ایمان و ایمان‌ها، اخلاق عملی و اخلاق نظری، اخلاق برین، اخلاق و زندگی، بایسته‌های اخلاقی، جایگاه اخلاق در حیات انسانی، اخلاق: نقدها و دیدگاه‌ها.
- ۲- اسلام و اسلامیت
- ↪ مفاهیم اسلامی، حقایق اسلامی، تمدن اسلامی، مباحث فکری و عقیدتی اسلام، قرآن، تفسیر آیات، اصول اسلام، حقیقت‌های اسلامی، جهاد، دیدگاه‌های اسلام، تاریخ اسلام، پیشوایان اسلام، امامت و امامان، دیدگاه‌های امام علی علیه السلام در مسائل مختلف و امامان دیگر، علی علیه السلام، اندیشه علی علیه السلام، آرمان‌های علی علیه السلام، تاریخ علی علیه السلام، کلام علی علیه السلام، علی علیه السلام از دیدگاه‌های مختلف، جایگاه تاریخی علی علیه السلام، علی و اسلام، علی و تاریخ و ... فرقه‌های اسلامی، دیدگاه‌ها: تعاریف و نقدها.
- ۳- اقتصاد
- ↪ مؤلفه‌های اقتصادی، جایگاه پول، کار، مالکیت، جامعه و اقتصاد، اقتصادها، اقتصاد بایسته، فقر: دیدگاه‌ها و نقدها.
- ۴- سیاست
- ↪ تعریف سیاست، آزادی، قدرت، قدرت و قدرتمندان، مسئله اکثریت، جنگ و صلح، چارچوب سیاست، عدالت و سیاست، وطن، سیاست در گذر زمان‌ها و جوامع: دیدگاه‌ها و نقدها.
- ۵- الاهیات
- ↪ خداوند، اوصاف خداوند، خلقت و آفرینش، دین، مسائل دینی، شریعت، پیامبران، تعالیم پیامبران، تاریخ پیامبران، راه پیامبران، انسان و خدا، خدا و هستی، اولیای خدا، اسرار ادیان، خداپرستی، ابدیت، دینداری و دینمندی، راه‌های دینداری، حکمت خدا، مشیت خدا، خدا از منظرهای گوناگون، پرستش و عبادت، خدا و شیطان، خدا و فرشته، خدا و بندگان، تصور و ادراک خداوند، دعا و نیایش، مبدأ و معاد، شریعت، طریقت و حقیقت، خداگرایی، عرفان و معرفت،

عرفان و مکتب‌ها، عرفان و دین، ماوراء طبیعت، پدیده‌های ماوراء طبیعی، وحدت وجود، یقین، ولایت: دیدگاه‌ها و نقدها.

۶- اندیشه، آگاهی

↪ اندیشه و جریان فکر، آگاهی و روند درونی و بیرونی آن، نقش آگاهی در زندگی، تفکر و زندگی، تفکر در حیات و انسان، تفکر و عشق، معانی عشق، اقسام عشق، عشق و زندگی، هدف زندگی، فلسفه و چیستی زندگی، عشق از دیدگاه‌های گوناگون، انسان و اندیشه در باب عشق، انسان و آگاهی از زندگی: دیدگاه‌ها و نقدها.

۷- انسان

↪ انسان، انسان و خدا، مسئلهٔ مرد و زن، تفاوت انسان‌ها، اوصاف انسانی، انسان و جهان، انسان‌شناسی، انسان کامل، مسائل خوب و بد انسان، انسان و حیوان، علوم انسانی، استعدادهای انسان، انسان و زمان، انسان و مابعدالطبیعه، انسان و زندگی، انسان و خویشتن، انسان و هم‌نوع، ذات انسان، عظمت انسان، سرشت و سرنوشت انسان، انسان در مکتب‌ها، انسان جدید، تکامل انسانی: نقدها و دیدگاه‌ها.

۸- جهان و هستی

↪ آغاز و انجام جهان، جهان‌شناسی، جهان‌ها، زیبایی جهان، استمرار هستی، مراحل هستی، نسبت انسان و جهان، تحول در جهان، تاریخ جهان، سیر هستی، طبیعت و ماوراء طبیعت، نظام جهان هستی، قوانین هستی، نظم هستی، جهان و زندگی، شناخت هستی، حکمت هستی، درک هستی، سلطه بر هستی، کشف هستی، کمال هستی، وحدت هستی، عوامل هستی، تضادها در هستی: نقدها و دیدگاه‌ها.

۹- تاریخ

↪ جامعه و تاریخ، ادعا و دروغ در تاریخ، تاریخ‌زدگی، عناصر تاریخ، تاریخ و جنگ، تاریخ و انسان، تاریخ و نیروی مغز، قهرمانان تاریخ، تاریخ بشری، نقش ایمان در تاریخ، نقش شخصیت‌ها در تاریخ: نقدها و دیدگاه‌ها.

۱۰- اجتماع

↪ جوامع، تحولات اجتماعات، سیستم اجتماع، سقوط اجتماعی، شکل‌های اجتماعی، رهبری اجتماعات، تضادهای اجتماعی، جوامع امروز، تکامل اجتماعی، جهت‌ها و جوامع، تناقضات اجتماعی، جامعه و پیش‌تازان اجتماعی، شخصیت‌ها و جوامع، گروه‌های اجتماعی، قوانین اجتماعی، مسائل اجتماعی، عناصر اجتماعی، جوامع امروزی، خودخواهی در جوامع، سقوط تمدن‌ها، وجدان اجتماعی، آیندهٔ جوامع: نقدها و دیدگاه‌ها.

۱۱- روان، علم النفس

↪ پدیده‌های روانی، بیماری‌های روانی، هشیاری و روان، خود انسانی، شخصیت، من، روان‌شناسی و فیزیولوژی، انفجار روانی، انفجالات روانی، تحرک و هیجان، گرایش و جستجو، تحلیل‌های روانی، ترس، تضادهای درونی، خودآگاهی و ناخودآگاهی، روان و واقعیت‌ها، عقل و خیال، آرزوها و امیدها و احساس‌ها، ذهن و مغز، می‌خواهم و نمی‌خواهم، روح و روان، کیفیت‌های روانی، روح و قلمرو آن، عقده‌های روانی، عادت، اراده‌ها، محبت، نمودهای روانی، هوش، پیچیدگی روان: نقدها و دیدگاه‌ها.

۱۲- علم، دانش

↪ چیستی علم و دانش، علم‌گرایی، سیر دانش، اقسام علم، تربیت، تعلیم و تربیت، تاریخ علم، اکتشافات و اختراعات، سؤال، علم بشری، معلومات، روش علوم: نقدها و دیدگاه‌ها.

۱۳- فلسفه

↪ مکتب‌های فلسفی، ایده‌آلیسم و رئالیسم، عقل و فعالیت‌های عقلی، کمیّت و کیفیت مسائل فلسفی، فیلسوفان، ادراک و مدرک، اصول فلسفه، فاعلیّت و قابلیّت، شناخت و شناسایی، علت و معلول، جهان‌بینی، انسان و حقیقت، حقیقت و واقعیت، اضداد، تعین‌ها، جوهر و عرض، نقص و کمال، جزء و کل، حرکت و تغییر جهان، حرکت در فلسفه، حرکت و وحدت، حواس، زمان، انتزاع، مطلق و نسبی، فلسفه اسلامی، گردیدن‌های فلسفی، حس‌گرایی، ماجراهای فلسفی، ماده و فلسفه، مطلق‌گرایی، فلسفه غرب، نقدها و دیدگاه‌ها.

۱۴- کلام

↪ علم کلام، مکتب‌های کلامی، جبر و اختیار، اختیار و اراده، تردیدها، خدا و اثبات خدا، خدا از دیدگاه متکلمین، خدا و مسئله شرّ، عدالت خداوندی، قواعد کلامی، علم خداوندی، امر بین‌الامرین، عذاب، سعادت و شقاوت، قضا و قدر: نقدها و دیدگاه‌ها.

۱۵- منطق

↪ دانش منطق، منطق ارسطویی، الفاظ، عقل و حسّ، ضدّین، اصول بدیهی، منطق دانان، دلیل‌ها و استدلال‌ها، قضایا، اندیشه، تجرید، تحوّل عقل، تقسیمات الفاظ، لفظ و معنی، حقیقت، سوفسطائیان، عقل از دیدگاه‌های مختلف، ظنّ و یقین، عقل جزئی و کلی، عقل نظری و عملی، حدّ وسط، حواس پنج‌گانه: نقدها و دیدگاه‌ها.

- ۱۶- ماده، فیزیک ← مواد فیزیکی، کره زمین، نجوم، ریاضی، تجرید اعداد، تفاعلات، اشیاء، مسائل فیزیکی، فیزیک و بی نهایت، عدد، کوانتم، ماده مطلق، نور، ذرات، امواج: نقدها و دیدگاه‌ها.
- ۱۷- مباحث فقهی و حقوقی ← فقه، قواعد فقهی و حقوقی، اجتهاد، جرم، تقلید، حقوق اسلامی، جهاد، قصاص، فقه شیعه، قضاوت، شهادت، تحریم‌ها، اصول فقهی، تعبد: نقدها و دیدگاه‌ها.
- ۱۸- هنر، زیبایی و ادبیات ← شعر، زیبایی‌ها، تأثیر زیبایی در روح، تجسیم، تمثیل، زیبایی‌شناسی، داستان‌پردازی، ادب و ادبیات، شاعران، انواع شعر، شعرای، مکتب‌های ادبی، هنرمندان بزرگ، نبوغ هنری، زیبایی: نقدها و دیدگاه‌ها.



کمال، اخلاق؛ فضیلت، رذیلت و...

کمال، اخلاق؛ فضیلت و رذیلت

عنوان	جلد	صفحه	سطر
آثار امید به فیض الهی	۱۳	۹۵ و ۹۶	تمام صفحات
آثار و علایم فقدان رشد	۲۴	۲۱۳ و ۲۱۴	۱۹ به بعد
آثاری که دنیاگرایی به جای می‌گذارد	۲۰	۲۴ - ۲۶	۹ به بعد
آرزو	۱۳	۳۴۵ - ۳۵۹	۱۰ به بعد
آرزو چیست؟	۱۳	۳۴۱	۷ تا ۱۱
آرزو در حیات معقول	۱۱	۲۰۵	۲۰ تا ۲۳
آرزوها و امیدها	۱۶	۸۳ و ۸۴	۱۹ به بعد
آرزوها	۶	۱۶۳ و ۱۶۴	۱۲ به بعد
آری، می‌توانیم	۶	۱۵۸ و ۱۵۹	۱۷ به بعد
آزادی انتخاب	۹	۱۰۶	۴ تا ۱۶
آزمایش و امتحان	۳	۲۴۰ - ۲۴۲	۱۱ به بعد
آزمایش‌ها	۲۷	۲۰۸	۵ تا پایان صفحه
آزمایش‌ها	۱۵	۵۵ و ۵۶	۲۰ به بعد
آزمایش‌های خداوندی	۲۷	۱۸۱ و ۱۸۲	۶ به بعد
آسیب‌های روحی و زبان‌های اجتماعی ناشی از ریاکاری	۱۳	۲۹۶ و ۲۹۷	۸ به بعد
آغاز و انجام	۷	۲۷۴	۷ تا ۱۱
آغاز و پایان زندگی	۱۳	۴۸ - ۵۰	۱۰ به بعد
آیا انسان مالک خویشتن است؟	۱۱	۵۶	۲ تا ۲۱
آیا ایمان و تعصب یکی است؟	۸	۱۱۸ - ۱۱۵	۱۶ به بعد
آیا تربیت تدریجی است؟!	۱۷	۱۵۴ و ۱۵۵	۱۹ به بعد
آیا شقاوت و سعادت مقوله‌ای ذاتی است؟!	۱۱	۱۵۲ و ۱۵۳	۱ به بعد
آیا شهادت، خودکشی است؟	۲۰	۹۴ - ۹۱	۸ به بعد
آینده‌هایی که پیش رو داریم	۱۲	۳۲۲ و ۳۲۳	۲۲ به بعد
ابدیت و عدالت	۱۵	۲۵۶	۱۰ تا ۲۳

عنوان	جلد	صفحه	سطر
ابلاغ در وعظ و موعظه	۱۸	۲۶۱ و ۲۶۲	۱۰ به بعد
اتحاد در هدف اعلاى حیات	۱۰	۱۸۰	۱ تا ۲۱
اثرات اعتقاد به علم خداوندی	۱۲	۲۹۱ و ۲۹۲	۶ به بعد
اثرات به یاد خدا بودن	۱۴	۲۴۷- ۲۴۹	۱۱ به بعد
اثرات پیروی از هوئ	۶	۱۸۱ و ۱۸۲	۱۴ به بعد
اثرات تضعیف و شکست یک استعداد	۱۲	۲۸۲ و ۲۸۳	۲۳ به بعد
اثرات نیل به یقین	۸	۴۸	۱۰ تا ۱۵
اثر منفی لذت‌جویی بر روان	۹	۶۰	۷ تا ۱۲
احترام و انسان	۲۱	۲۷	۱۰ تا ۱۴
احساس بایستگی	۹	۱۰۳- ۱۰۵	۱۶ به بعد
احساس تکلیف؛ حیات‌بخش‌ترین احساس	۲۶	۱۰۷	۹ تا ۱۳
احساس مسئولیت، قضیه‌ای فطری	۲۰	۵۳- ۵۵	۱۷ به بعد
احسان	۲۴	۱۱۶- ۱۱۸	۱۰ به بعد
اختیار و خیرها	۸	۱۹۵ و ۱۹۶	۱۳ به بعد
اخلاص به الله	۱۰	۱۹۰ و ۱۹۱	۱ به بعد
اخلاص	۱۰	۱۸۵- ۱۸۷	۱ به بعد
اخلاص	۲۱	۶۱	۶ تا ۸
اخلاص در آیات قرآن	۱۰	۱۹۵- ۲۰۱	۲۲ به بعد
اخلاص در روایات	۱۰	۲۰۱- ۲۱۵	۲۰ به بعد
اخلاص کامل	۱۰	۱۸۹	۱۸ تا ۲۲
اخلاص، نتیجه عشق	۱۰	۲۰۰ و ۲۰۱	۲۱ به بعد
اخلاص و آزادی	۱۰	۲۱۴ و ۲۱۵	۱۶ به بعد
اخلاص	۲	۵۶ و ۵۷	۱۹ به بعد
اخلاص و جاذبه روح	۱۰	۱۹۹	۱ تا ۸
اخلاق از نگرش علمی	۲۲	۲۹۹- ۳۰۱	۱۶ به بعد
اخلاق بدون حکمت	۱۴	۷۷	۱ تا ۱۰
اخلاق	۲۴	۳۰۴	۳ تا ۱۶

عنوان	جلد	صفحه	سطر
اخلاق تابو	۲۲	۱۶۳	پاورقی
اخلاق طبیعی و اخلاق جبری	۱۷	۱۹۳ و ۱۹۴	۱۴ به بعد
اخلاق فاضله و عرفان اسلامی	۱۴	۵۹	۷ تا ۱۱
اخلاق فاضله و عنصر استقامت	۲۷	۱۷۲ و ۱۷۳	۳ به بعد
اخلاق کمالی	۱۷	۱۹۸ - ۱۹۴	۷ به بعد
اخلاق متکی به ابدیت	۹	۲۸۳	۱۰ تا ۱۹
اخلاق و اعمال نیک	۱۶	۲۵۰ و ۲۵۱	۱۶ به بعد
اخلاق والا با ملاک حُبّ و بغض	۹	۱۶۹	۱۹ تا ۲۲
اخلاق	۲۵	۹۲ و ۹۳	۱۵ به بعد
اخلاق و دین	۲۴	۳۰۶ و ۳۰۷	۶ به بعد
اخلاق و رفتار اخلاقی	۲۲	۶۷	۱۹ تا پایان صفحه
اخلاق و سودجویی	۳	۳۱	۱ تا ۴
اخلاق و شناخت اخلاقی	۱۴	۳۳	۲۱ تا ۲۳
اخلاق و واقعیات	۲۲	۲۹۸	۹ تا ۱۷
اخلاق و وجدان	۱۶	۲۴۹ و ۲۵۰	۲۲ به بعد
اخلاق و هستی	۱۴	۵۲ و ۵۳	۲۱ به بعد
اخلاقیات فاضله انسانی	۱۶	۲۸۲ و ۲۸۳	۲۵ به بعد
ادعاهای بی‌اساس و افتراء	۴	۱۵۷ - ۱۵۳	۱۲ به بعد
ادعای ایمان	۷	۱۹۵	۹ تا پایان صفحه
اذکار و عبادات	۷	۵۱	۱ تا ۹
ارزش‌ها	۳	۵۱	۷ تا ۱۰
ارزش‌ها	۱۲	۲۸۹ و ۲۹۰	۱۳ به بعد
ارزش‌های جبری و ارزش‌های اختیاری	۱۲	۱۳۴	۵ تا ۱۶
ارزش‌های فوق‌مبادله‌ای	۴	۱۴۲	۷ تا ۲۰
اساسی‌ترین شرط حیات معقول	۱۶	۱۹۲	۱۳ تا ۲۳
استدراج؛ سقوط تدریجی	۱۷	۱۱۲ و ۱۱۳	۱۷ به بعد
استعداد اگر فعلیت یابد...	۵	۱۴۸ و ۱۴۹	۱۹ به بعد

عنوان	جلد	صفحه	سطر
اشباع شکم و شهوت	۱۱	۳۸ و ۳۹	۶ به بعد
اشتباه مرتاضان	۵	۲۱۴	۱ تا ۴
اشخاصی که نمی فهمند	۱۵	۱۸ و ۱۹	۷ به بعد
اصلاح جامعه	۲۱	۲۶۹ - ۲۷۱	۸ به بعد
اصل شکنی	۴	۴۲	۲۰ تا ۲۲
اصول کلی اخلاق	۹	۳۲	۳ تا ۷
اطاعت خداوندی	۲۰	۵۷ - ۵۹	۱۱ به بعد
اطاعت خداوندی در حیات معقول	۱۳	۲۸۸ و ۲۸۹	۷ به بعد
اعتدال؛ راه پیروزی	۱۳	۱۲۷ - ۱۲۹	۷ به بعد
اعمال صالح و حرکت به پیش	۱۳	۱۴۱ - ۱۴۳	۱۱ به بعد
افزون‌گرایی در مال و دیگر شئون دنیا	۲۶	۱۵۴	۱۳ تا پایان صفحه
اقسام اطاعت	۲۰	۸۳ و ۸۴	۱۹ به بعد
اقسام مدیریت درونی	۹	۲۵۲ و ۲۵۳	۲۰ به بعد
اقسام معصیت	۳	۲۵۲ - ۲۵۴	۲۳ به بعد
امتیازات معنوی و جبری	۲۲	۱۱۷ و ۱۱۸	۱۲ به بعد
امر به معروف و نهی از منکر	۲۶	۲۰ و ۲۱	۸ به بعد
امید، آرزو و تفاوت‌ها	۱۳	۳۴۱	۱۱ تا ۲۲
امیدها و آرزوها از نگاه اخلاقی	۹	۲۷۵ و ۲۷۶	۲۱ به بعد
انبساط حاصل از نیکوکاری	۲۱	۲۵۲	۱۵ تا ۲۴
انحراف از حق	۱۹	۸۸ و ۸۹	۱۷ به بعد
انحراف از عدالت	۳	۲۲۴ و ۲۲۵	۱۱ به بعد
اندوه مقدس	۵	۸۸	۴ تا ۲۲
اندیشه به هم‌نوعان	۱۴	۱۰۴ و ۱۰۵	۲ به بعد
انسان باتقوا	۱۳	۱۴۰ و ۱۴۱	۶ به بعد
انسان به حال خود رها شده	۱۸	۱۸۰ - ۱۸۲	۱۱ به بعد
انسان خودمدار (خودمحور)	۱۵	۲۴ و ۲۵	۱۴ به بعد
انسان و دنیا	۱۲	۳۳	۴ به بعد

عنوان	جلد	صفحه	سطر
انسان و رشد	۱۲	۲۲۵-۲۲۸	۱۳ به بعد
انسان و نیکی و بدی	۷	۱۶۱-۱۶۶	۱۹ به بعد
انسان‌های پست	۴	۲۷۹ و ۲۷۸	۴ به بعد
انسان هدفدار	۱۲	۱۷۳ و ۱۷۴	۱۲ به بعد
انضباط نفس	۱۲	۲۴۰	۱۷ به بعد
انفاق	۴	۸۲	۶ تا ۱۷
انفاق	۵	۲۸۱	۱۲ تا ۱۴
انگیزه‌های الهی زندگی	۲۲	۱۷۶	۵ تا ۸
انگیزه ترس از خدا	۱۷	۲۱۷-۲۲۶	۱ به بعد
انواع آرزو	۱۳	۳۴۹-۳۵۱	۱۰ به بعد
انواع ظلم (مالی، جانی، اعتباری، فکری و روحی)	۲۳	۳۰۷-۳۱۳	۱ به بعد
اولین اصل تقوا	۶	۲۸ و ۲۹	۲۱ به بعد
اهتمام	۱۴	۹۸ و ۹۹	۱۸ به بعد
ای رهگذر حیات، لختی بیندیش!	۱۳	۳۱-۳۶	۱ به بعد
ایمان و خدا	۶	۲۵۱	۱۰ تا ۱۶
ایمان و دست شستن از جان	۸	۱۱۹	۳ تا پایان صفحه
ایمان و شناخت	۶	۲۴۷-۲۴۹	۲۰ به بعد
این است وقیح‌تر از پلییدی	۹	۱۵۱	۱۴ تا ۱۶
بالانگری و حرکت به سوی کمال	۱۱	۱۹۹-۲۰۲	۷ به بعد
«باید»ها و «نباید»های زندگی	۱۸	۱۸۱	۱۱ تا ۱۹
ببینید و بشنوید	۴	۳۰۴-۳۰۶	۱۶ به بعد
بر نااهلان شکایت نبرید	۱۸	۲۵۹ و ۲۶۰	۱۶ به بعد
بصیرت	۸	۴۰-۴۲	۱ به بعد
بُعدِ روحی حیات	۱۲	۱۸۱ و ۱۸۲	۱ به بعد
بغض و عداوت	۱۳	۳۳۴-۳۳۶	۶ به بعد
بغض و عداوت؛ عوامل دیگر	۱۳	۳۳۰-۳۳۳	۱۷ به بعد
بغض و عداوت	۱۳	۳۲۲ و ۳۲۳	۱۵ به بعد

عنوان	جلد	صفحه	سطر
بنده و بندگی	۲۱	۷۶ و ۷۷	۲۲ به بعد
به سوی کمال	۶	۲۱۲	۱ تا ۱۱
بهشت و دوزخ	۲۰	۱۴۴ و ۱۴۵	۱۹ به بعد
به کمال رسیده‌ها	۲۲	۱۵۹	۳ تا ۱۸
بی‌اعتنایی به حیات معقول	۷	۱۹۳ و ۱۹۴	۹ به بعد
بیماری‌های روحی	۱۹	۸۷ - ۸۴	۹ به بعد
بینایی درونی	۳	۱۴۷ و ۱۴۸	۱۳ به بعد
بینایی درونی و یقین ربّانی	۱	۲۳۶	۲ تا ۷
بینایی دل	۱۹	۸۷ و ۸۸	۹ به بعد
بی‌نیازی و نیازمندی	۲۳	۲۹ و ۳۰	۳ به بعد
پاداش خداوندی	۲۰	۱۳۲ - ۱۳۰	۱۰ به بعد
پارسایان	۲۱	۱۴	۹ تا ۱۴
پاک‌دلان پاک‌اندیش	۳	۸۵	۱ تا ۶
پاکی، ظاهر، باطن	۲۵	۲۴۱ و ۲۴۲	۱۱ به بعد
پرده خودخواهی	۴	۳۰۴	۶ تا ۱۱
پرواز در فضای حیات معقول	۲۵	۱۹۹ و ۲۰۰	۹ به بعد
پرورش شخصیت	۳	۲۵۵	۵ تا ۷
پستی و ملاک آن	۵	۵۲	۱۱ به بعد
پلیدی‌ها	۲۱	۱۷۵	۲۰ و ۲۱
پند و اندرز دروغ‌گویان	۱۸	۲۶۸ و ۲۶۹	۱۰ به بعد
پند و اندرز	۱۷	۸۷ و ۸۸	۱۷ به بعد
پیروزی بر خودخواهی	۶	۱۰۸	۱۵ تا ۲۰
پیروزی بر خودخواهی	۶	۱۱۰	۱۰ تا ۱۴
پیروزی قیام برای خدا	۵	۱۰۶	۲ تا پایان صفحه
پیوستگی علم و معنویت، نیاز امروز	۲۲	۲۰۰	۱ تا ۱۴
تاریکی قلب	۱۰	۱۰۱	۱۷ تا ۲۴
تأثیر آرزوهای دور و دراز بر شخصیت	۱۳	۳۵۶	۲ تا ۹

عنوان	جلد	صفحه	سطر
تأمین معیشت، رزق و روزی	۲۱	۱۷۹ - ۱۸۲	۱۹ به بعد
تبعات تخلف از تکلیف	۲۷	۱۳۴	۱۲ تا ۱۷
تبعات حقیقت پوشی	۷	۱۶۷ - ۱۷۰	۹ به بعد
تبهکاران	۷	۱۹۵	۵ تا ۹
تجارب و حیات معقول	۴	۳۰۶ و ۳۰۷	۱۵ به بعد
تجارب و خودسازی	۳	۲۳۲	۱ و ۲
تجمل	۴	۶۷	۱۷ تا ۲۰
تحرک به سوی عظمت‌ها و دو نوع تبلیغ	۱۸	۲۰۹	۴ تا ۱۲
تحقیر خود، در عرفان حرفه‌ای	۱۴	۲۳۴ - ۲۳۶	۶ به بعد
تحلیل رضایت اکثریت از زندگی	۸	۱۷۶ - ۱۸۴	۳ به بعد
تحمل ستم، با حیات معقول سازگار نیست	۹	۱۷۴ و ۱۷۵	۱۳ به بعد
تخلّق به اخلاق الله	۸	۳۴	۱۶ تا ۲۴
تخلّق به اخلاق والا	۱۴	۷۵	۳ تا ۱۵
تربیت، اساسی‌ترین شرط گرداندن	۱۴	۷۱	۴ تا ۱۱
تربیت؛ نقدها و دیدگاه‌ها	۱۷	۱۵۷ - ۱۵۵	۲۱ به بعد
تربیت	۱	۲۶۹ و ۲۷۰	۱۲ به بعد
تربیت	۱۴	۷۲ و ۷۳	۲۳ به بعد
تربیت و خدا	۱۸	۳۲ - ۳۵	۱۴ به بعد
تربیت و مرتبان روحی	۱۸	۴۸ و ۴۹	۴ به بعد
ترس از مرگ	۲۴	۴۷ - ۴۴	۱۱ به بعد
تزکیه و تصفیه	۱	۲۱۳	۲۱ تا ۲۴
تسبیح و تصفیه روح	۶	۷۶	۱۰ تا ۱۲
تشریح صیانت تکاملی ذات	۲۱	۱۴۸ - ۱۴۴	۵ به بعد
تشویق و تحریک بر خیرات	۱۶	۸۶ و ۸۷	۱۷ به بعد
تصعید تکاملی حیات	۱۲	۲۲۹	۷ تا ۲۰
تعارض روح و ماده	۲۶	۱۴۸ - ۱۴۶	۱۰ به بعد
تعارض عقل و شهوت	۲۰	۱۸	۱ تا ۹